وکیل شرق

از قانون طبیعت تا طبیعت قانون

سعید دهقان* : (اصغر معمار : اگر ممکن است، با توجه به قانون جدید «تعاریف محدوده و حریم شهرها» به سئوالات زیر پاسخ دهید: ۱- در آخر ماده ۲ قانون آمده است که « . . . هر گونه ساخت و ساز غیرمجاز در این حریم تخلف محسوب و با متخلفین طبق مقررات رفتار خواهد شد. » ۲- در ماده ۱۲ آمده است «هرگونه تخلف از احکام موضوع این قانون به عنوان تجاوز به حقوق عمومی جرم محسوب شده و مرتکبین علاوه بر اعاده وضع و رفع اثر از تخلف، به مجازات مربوط برابر قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. »حال سئوال این است که آیا تخلف ماده ۲ هم طبق ماده ۱۲ است و مطابق آن عمل می شود؟ منظور از اینکه طبق مقررات رفتار خواهد شد چیست؟ به عبارت دیگر ماده ۱۲ تخلفات ماده ۲ را هم شامل می شود؟ سئوال دوم اینکه، کسی که قبل از تصویب قانون فوق در زمین مزروعی، ساختمانی مسکونی ساخته است چه وضعیتی دارد؟ یعنی سروکارش با کدام قانون است؟)

وکیل شرق: در این خصوص قوانین متعدد دیگری نیز موجود است همچون تبصره ۲ ماده ۱۴۸ قانون اصلاح قانون ثبت که متصرف معترف به تجاوز را به رفع آثار تجاوز و یا تخریب ملزم می نماید. از این گذشته قانونگذار گاه حتی خارج از محدوده شهرها نیز محدودیت هایی برای مالکین در نظر گرفته، مثلاً مطابق ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها مصوب سال ۷۴/۳/۳۱ تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ ها در خارج از محدوده قانون شهرها و شهرک ها جز در موارد ضروری ممنوع شده است. همان طور که ملاحظه می کنید هیچ زمانی قطع درخت و یا تبدیل مزارع و باغ به ساختمان، بدون کسب مجوز نبوده است. قانون «تعاریف محدوده و حریم شهر روستا و شهرک» مصوب ۸۴/۱۰/۱۴، ساخت و ساز بدون کسب مجوز از شهرداری را تخلف دانسته اما برای آن مجازات جدیدی مقرر نکرده است و در ماده ۲ قانون به ذکر برخورد با متخلفین طبق مقررات بسنده کرده است. اما در ماده ۱۲ این قانون که در واقع آخرین اراده قانونگذار محسوب می شود، تخطی از مفاد این قانون را تجاوز به حقوق عمومی تلقی کرده و جرم دانسته است و صرفنظر از ایرادی که به قانونگذار به دلیل کلی گویی وارد است، نظر به اینکه در این قانون، جز در تبصره ماده ۱۰ ذکری از لغو قوانین و مقررات سابق به میان نیاورده است و اساساً قانون عام لاحق (جدید) هم، ناسخ قانون خاص سابق نمی شود، می توان این گونه نتیجه گرفت: با توجه به اینکه هر فعل و ترک فعلی را که مطابق قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد می توان جرم فرض کرد، بنابراین در صورتی که فعل مرتکب دارای عنوان مجرمانه با تمام ارکان یک جرم باشد، حسب مورد مرتکب به حبس جزای نقدی، ضبط زمین و نظایر آن- که در قوانین فوق الذکر پیش بینی شده است- محکوم خواهد شد. در مورد ساخت و ساز قبل از تصویب این قانون هم باید بگویم، هیچ زمانی ساخت و ساز در مزارع و باغات حتی در خارج از محدوده و حریم شهرها بدون کسب مجوز جایز نبوده است، لیکن از آنجا که اثر قانون نسبت به آینده است به نظر می رسد، در صورتی که بتوانید ثابت کنید ساخت و ساز در زمانی صورت گرفته که محل، جزء حریم شهر مندرج در قانون تلقی نمی شده و مشمول هیچ یک از قوانین سابق در این خصوص نیز نبوده است، بدیهی است عمل شما تخلف نخواهد بود.**

vakilroaya@gmail.com

پولشویی: جرم سازمان یافته

حقوق اقتصادی

فاطمه جم* : پولشویی جرمی سازمان یافته و فراملی است که نظام مالی جهان امروز بالاخص کشورهای در حال توسعه را- که به شکلی گسترده تر با آن مواجهند - دچار بحران کرده و سازمان های بین المللی و منطقه ای را وادار به ارائه راهکارهای متعدد برای مبارزه و تحدید آن می کند.

درآمدهای حاصل از فعالیت های نامشروع و مجرمانه، پول آلوده نام دارند که اگر در حیطه مواد مخدر و فحشا باشد «پول کثیف»، چنانچه ناشی از قاچاق و فرار مالیاتی باشد «پول سیاه» و هر گاه منشاء درآمد رشوه و فساد مالی باشد «پول خاکستری» نامیده می شود. از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق جرایم با هدف کسب منابع مالی رخ می دهند پول های آلوده به دلیل قابل دسترس بودن منشاء آن از سوی مامورین امنیتی و پلیس، قابلیت ورود به چرخه اقتصادی را ندارد. لذا رهبران جرایم سازمان یافته طی مراحلی اقدام به پنهان کردن یا تغییر ظاهر منشاء مجرمانه و غیرقانونی فعالیت های خود - با هدف سهولت در بهره برداری هر چه بیشتر از آن برای اقدامات مجرمانه آتی - می کنند، این فرآیند پولشویی نامیده شده است و نتیجه آن قانونی جلوه گر شدن منشاء درآمد و پاکیزه شناخته شدن پول آلوده است.

مراحل تحقق پولشویی عبارتند از:

۱ - مرحله جای گذاری یا مکان یابی و استقرار (placement stage): که عبارت است از تزریق پول آلوده به سیستم مالی رسمی و تبدیل وجوه نقد به ابزارهای پولی مانند چک مسافرتی، حواله های پولی و . . . یعنی وجوه کلان از طریق سپرده گذاری در موسسات مالی رسمی و غیررسمی یا ارسال پول به خارج از مرز با خرید کالاهای ارزشمند به وجوه خرد تبدیل می شود.

۲ - مرحله پنهان سازی یا لایه چینی (layering stage): که عبارت است از جداسازی پول آلوده از منشاء خود به منظور مخفی کردن رد، جلوگیری از تعقیب و امکان بازگرداندن مجدد آن به چرخه جرم بدون امکان یافتن محل جغرافیایی و منشاء آن. یکی از روش های این کار انتقال موجودی از حساب های اولیه به سایر حساب ها در همان موسسه یا موسسات دیگر است.

۳ - مرحله ادغام و یکپارچه سازی و بازگرداندن (intergration stage): که عبارت از ایجاد پوشش ظاهری مشروع در قالب ایجاد موسسه های اقتصادی یا خریدهای کلان و بازگرداندن دوباره منابع اولیه به فعالیت در موارد غیرقانونی است.

پولشویی در چهار قالب قابل شکل گیری است:

الف - پولشویی درونی، بدین مفهوم که پول آلوده در یک کشور حاصل می شود و پولشویی نیز در همان جا شکل می گیرد. ب - پولشویی صادرشونده که پول آلوده در یک کشور به دست می آید ولی پولشویی در خارج از کشور محقق می شود. ج - پولشویی واردشونده که پول آلوده در سایر نقاط جهان حاصل می شود لیکن پولشویی در داخل کشور شکل می گیرد. د - پولشویی بیرونی که پول آلوده از سایر کشورها حاصل و پولشویی نیز در خارج از کشور محقق می شود. پولشویی علاوه بر تاثیرات نامطلوب ر ابعاد اجتماعی و اخلاقی جامعه، آثار و تبعات منفی بسیار گسترده ای بر اقتصاد کشورها دارد چرا که به مثابه پلی، اقتصاد رسمی و قانون کشور را به اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی متصل می کند و باعث تخریب بازار مالی، از طریق ورود نامعقول حجم بالای نقدینگی و متعاقباً خروج نابهنگام و ناگهانی همین حجم پول به منظور انجام یک معامله مجرمانه می شود. نتیجه این امر تخریب بخش خصوصی از طریق سلب اعتماد صاحبان منابع مالی مشروع، کاهش سرمایه گذاری، تاثیر منفی بر نرخ ارز و نهایتاً به هم ریختگی بخش اقتصاد خارجی و عدم تعادل بخش های اقتصاد داخلی است. همچنان که گفتیم پولشویی جرمی سازمان یافته است. ویژگی اینگونه جرایم حداقل سه نفر بودن اعضای آن، استمرار عملیات مجرمانه در طول زمان و جلب منفعت مالی به عنوان هدف اصلی است. فراملی بودن، دیگر ویژگی پولشویی است که ارتباط فیمابین کشورها به صورت گسترده را اجتناب ناپذیر می کند. این هر دو خصیصه امکان مبارزه با آن و تعقیب مجرمین را برای دولت ها بسیار سخت و بعضاً ناممکن ساخته و تلاش های سازمان های بین المللی و منطقه ای در تحدید این امر موفقیت چندانی نداشته اند. سازمان ملل متحد طی کنوانسیون ۱۹۸۸ وین دولت های عضو را ملزم به جرم شناختن پولشویی و تعیین مجازات متناسب با قوانین داخلی کشورها برای پولشویان کرد. در سال ۱۹۸۹ هفت کشور عمده صنعتی جهان (G7) آمریکا، کانادا، ژاپن، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان با حاد دانستن پدیده پولشویی سازمان نیروی واکنش سریع عملیات مالی تشکیل دادند و چهل راهکار مشخص برای ممانعت از عملیات پولشویی پیشنهاد کردند که به امضای تمامی اعضا رسید. عضویت در سازمان موصوف برای تمامی کشورها مجاز است. کنوانسیون پالرمو مصوب ۲۰۰۰ نیز مبارزه جدی با پولشویی را مورد تاکید قرار داده است. به عقیده صاحب نظران در کشورهایی که در قبال پولشویی سکوت کیفری اختیار کرده اند، ارتشا در جامعه رواج دارد و فرهنگ و نظام اداری نسبت به این جرم ناآگاه و غیرحساس است. از نظر موقعیت جغرافیایی یا سیاسی نیز مستعد ورود و خروج خلافکاران یا ترانزیت مواد مخدر و . . . و به اصطلاح بهشت کیفری پولشویان هستند. جمهوری اسلامی ایران به رغم پیوستن به کنوانسیون های وین و پالرمو (از سال ۱۳۷۰) هنوز موفق به تصویب لایحه پولشویی که پس از پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی به هیات دولت در تاریخ ۸۱/۷/۶ به مجلس تقدیم شد، نشده است. بنابر آخرین اظهارات مخبر کمیسیون اقتصادی مجلس سرانجام پس از چندین بار رد و بدل شدن لایحه مذکور در کریدور مجلس و شورای نگهبان، راهی مجمع تشخیص مصلحت شده است. اگرچه لایحه موصوف فاقد تمامی ضروریات و دارای اشکالات غیرقابل انکار است لیکن با توجه به وجود قوانین موثر همچون (اصل ۴۹) قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۲۲ و ۶۶۲)، قانون مبارزه با مواد مخدر (مواد ۲۸ و ۳۰)، قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشای اختلاس و کلاهبرداری و . . . امید داریم که سرانجام پس از این وقفه ۱۵ ساله با تصویب و اجرای قاطعانه لایحه پولشویی ایران نیز بتواند همراه با سایر ملل گام هایی ارزنده در قطع دست پولشویان و متوقف کردن این جرم ویرانگر بردارد.

***کارشناس حقوقی و قضایی**

شورای اسلامی کار و حقوق متزلزل کارگران

روزبه کریمی: ۱ - از جمله آخرین موادی که چه از سوی دولت و چه از سوی برخی نمایندگان مجلس، بر تغییر آن تاکید شده ماده ۲۷ قانون کار است. جان کلام ماده۲۷ این است که اگر قرار شد کارفرما، پس از ادای مطالبات معوقه کارگر، قرارداد او را فسخ کند (اخراجش کند)، نظر مثبت شورای اسلامی کار هم برای این کار لازم است. به موجب تبصره اگر شورای اسلامی کار وجود نداشت، این وظیفه بر عهده انجمن صنفی است. موافقان ماده می گویند چه لزومی دارد که وقتی کارگری خطا کرد، برای اخراجش نظر مثبت یک تشکل کارگری هم دریافت شود؟ این فرآیند، از نظر این افراد، مانع سرمایه گذاری یا خیراندیشی کارفرمایی می شود که کارگری چوب لای چرخش گذاشته است. مخالفان ماده هم به درستی می گویند که لغو این ماده، جدا از آنکه اخراج کارگران را تسهیل می کند، زیر پای تشکل های کارگری را هم خالی می کند: یک تیر و دو نشان. در گفتار موافقان و مخالفان، شورای اسلامی کار تشکل کارگری به شمار می رود. تمام بحث همین جا است که آیا واقعاً شورای اسلامی کار، تشکل کارگری است؟ اگر نه، چه تناسبی با انجمن صنفی دارد که وقتی در واحدی شورای اسلامی کار نباشد، این انجمن صنفی است که صلاحیت دارد درباره اخراج کارگران نظر دهد؟ مشکل خطی است که در قانون کار، وجود دارد و وقتی موافقان و مخالفان درباره این قانون بحث می کنند، به احتمال زیاد، همین منطق اشتباه را دارند.

۲ - اصل ۱۰۴ قانون اساسی، مقرر می دارد که برای «تامین قسط اسلامی» و «همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی» شورایی از نمایندگان کارگران، دهقانان و کارکنان و مدیران تشکیل خواهد شد و پایین تر وعده می دهد که نحوه تشکیل، اختیارات و وظایف این شورا را قوانین عادی تعیین می کنند. چه در این اصل و چه در آن قوانین عادی و مکمل، هیچ نشانی از تشکل کارگری در خصایل این شورا دیده نمی شود. تشکل کارگری، بنابر ذاتش و به استناد قواعد بین المللی از جمله در ماده ۸ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پا می گیرد. اما شورای اسلامی کار قرار است در امور فرامنفعتی مثل تهیه برنامه ها یا ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور واحدهای تولیدی و . . . شرکت کند. (ماده یک قانون تشکیل شورای ها اسلامی کار) شوراهای اسلامی کار، هم خانواده همه آن شوراهایی هستند که در فصل ۷ قانون اساسی به آن اشاره می شود: شهر، روستا، استان و . . . ، شوراهایی شبیه پارلمان محلی و محدود، که پیشبرد جمعی برنامه ها را در یک منطقه یا محل زمینه سازی می کنند. نمایندگان کارگران و کارکنان به انتخاب مجمع عمومی و نماینده مدیریت واحد، در کنار هم در این پارلمان محدود مشغول به کار می شوند و برای آن دستمزد خواهند گرفت. با توجه به این ماهیت کاری شورا بی شک تشکل کارگری نیست. بخشی از بوروکراسی ای است که صنعت و تولید را در کشور پیش می برد. تشخیص انحراف و احتمالاً انحلال شورا نیز مشمول کلیت اصل ۱۰۶ قانون اساسی است که مثل باقی شوراهای فوق الذکر به قانون عادی مکمل حواله داده شده است و از همین رو، قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار، این مهم را در صلاحیت «هیات تشخیص انحراف و انحلال شوراها» قرار داده است. حال آنکه اگر قرار بود این شوراها، تشکل صنفی محسوب شوند، انحلال آنها، مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و ماده ۱۹ قانون فعالیت احزاب، در صلاحیت دادگاه های صالح و با حضور هیات منصفه می بود. تشکل های کارگری در مقام تشکل صنفی، مطابق مقاوله نامه های ILO، قانون اساسی و حتی بنابر صراحت ماده ۱۳۱ قانون کار و ماده ۲ قانون فعالیت احزاب، هدف شان پیشبرد منافع صنفی است و به نحوی مستقل و مدنی پدید می آیند. هم از این روست که قانون ناظر بر فعالیت شوراها «قانون شوراها» و قانون ناظر بر فعالیت تشکل های صنفی، «قانون فعالیت احزاب» است.

حقوق کار

۳- ماده ۱۳ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار که در مقام بیان وظایف و اختیارات این شوراهاست، یک مورد را از قلم می اندازد و آن هم همان ماده ۲۷ قانون کار است. طبق ماده ۲۷ قانون کار، از جمله اختیارات یا وظایف این شورای تمرکززدا این است که نظر مثبت یا منفی اش را راجع به فسخ قرارداد کارگران اعلام دارد. این نظر در عملی شدن یا نشدن اخراج کارگران تعیین کننده است. داشتن این اختیار یا وظیفه کاملاً با ماهیت و نقش ساختاری شورای اسلامی کار در پیکربندی یک واحد کاری، سازگار است. اما در مورد فصل ششم این قانون (فصل تشکل های کارگری و کارفرمایی)، در این فصل، بی آنکه تعریفی یا شرح وظیفه ای جدید برای شورای اسلامی کار به مثابه تشکل کارگری یا کارفرمایی ارائه شود، ماده ۱۳۵ مقرر می دارد که شوراهای اسلامی کار می توانند برای هماهنگی و وحدت روش در انجام وظایف شان کانون های هماهنگی استانی یا کشوری راه بیندازند؛ هیچ دلیلی ندارد که این امکان معقول برای این شوراها، در فصلی درج شود که به تشکل های کارگری و کارفرمایی اختصاص دارد. این همان پارادوکسی است که در این فصل قانون کار مندرج است. تبصره ۴ ماده ۱۳۱ (در همین فصل) نطفه پارادوکس را حمل می کند. این تبصره حکم می کند کارگران هر واحد فقط می توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را (برای دفاع از منافع خود) داشته باشند. این محدودیت از جهات گوناگون، نقض قانون اساسی و حقوق ملت است. با کدام برهان، حلقه ای از حلقه های بوروکراسی را می توان تشکل کارگری نامید؟ آیا مجلس یک کشور، می تواند جای احزاب و طیف بندی های سیاسی را بگیرد؟ تاریخ شورا و پارلمان و نهادهایی از این دست، به روشنی گواهی بر این امر است. ماده ۲۷ قانون کار هم متاسفانه همین معنای متناقض را دربردارد چرا که تصریح می کند اگر شورای اسلامی کاری در میان نبود تا در باب اخراج یک کارگر نظر دهد، این وظیفه را انجمن صنفی انجام دهد. اولاً چگونه می شود یک واحد کاری، شورایی را نداشته باشد که آن وظایف را مطابق قانون شوراها و قانون اساسی برای آن برشماریم؟ ثانیاً چگونه می توان امری را از اموری که تنها یک نهاد تصمیم ساز می تواند در باب آن رای دهد، به یک طرف درگیری (انجمن صنفی) سپرد؟

۴- قانون کار تشکل ها را نه یک نهاد مستقل و مدنی برای پیگیری منافع کارگران بلکه جزیی از بدنه وزارت کار یا ساختار بوروکراسی صنعتی و تولیدی کل کشور به شمار می آورد. هم از این رو است که، چه در ماده ۲۷ و چه در ماده ۱۳۱ قانون کار، انجمن صنفی (تشکل صنفی) می تواند جای شورای اسلامی کار (بخشی از بوروکراسی) را بگیرد. بنابراین شورای اسلامی کار، نه تنها تشکلی کارگری نیست بلکه تشکل کارگری به شمار آوردن آن، پهنه را برای نهادهای مستقل تنگ خواهد کرد. تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار، یکی است از هزاران ستم. پس این استدلال که چرا باید اخراج کارگران به موافقت یک تشکل کارگری نیاز داشته باشد، از بنیان می لنگد. حداکثر به ماده ۲۷ قانون کار می توان ایراد گرفت که چرا برخی از واحدهای کاری، شورای اسلامی ندارند تا فسخ قرارداد به اشتباه، نیازمند نظر انجمن صنفی باشد. اما هرگز این ایراد وارد نیست که چرا ماده ۲۷، پای شورای اسلامی کار را وسط آورده است.

خبرها

تعامل برای کاهش جرایم در نیروهای مسلح

ایسنا: رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در مراسم معارفه رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و دادستان نظامی استان گیلان گفت: وظیفه مهم نیروهای مسلح و قضایی تامین امنیت است. وی اضافه کرد: اگر انسان دغدغه امنیت داشته باشد، حتی میل به غذا هم پیدا نمی کند و به همین دلیل دین اسلام بیش از سایر ادیان و مکاتب بشری به مسئله امنیت اهمیت داده است. رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح، با ابراز رضایت از تعامل بسیار خوب میان نیروهای مسلح و سازمان قضایی تصریح کرد: در سایه این تعامل و همکاری و برنامه ریزی های مشترک می توان شاهد کاهش جرایم در نیروهای مسلح بود. در این مراسم ضمن قدردانی از خدمات شایسته ابوالحسن هاشمی رئیس پیشین سازمان قضایی نیروهای مسلح گیلان، سیف الله مسرور دادستان نظامی گیلان به عنوان رئیس جدید این سازمان و همچنین اسماعیل بنی سعیدلنگرودی نیز به عنوان دادستان جدید نظامی گیلان معرفی شدند. براساس این گزارش رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و دادستان نظامی اردبیل نیز معرفی شدند.

پرداخت قسمت دوم دیه بیماران هموفیلی

ایسنا: نماینده شاکیان هموفیلی اظهار داشت: با توجه به اقدامات انجام گرفته از طرف واحد اجرای احکام، قسمت دوم دیه بیماران هموفیلی با مبلغ ۸۲ میلیارد و ۸۸۲ میلیون و ۵۰۰ هزار و ۶۱ ریال به حساب ۹۷۴ نفر از خواهان های پرونده هموفیلی واریز شد و این افراد براساس شماره حساب و برنامه ریزی انجام شده در این رابطه پس از اخذ معرفی نامه از کانون هموفیلی ایران می توانند جهت دریافت این مبلغ اقدام کنند. وی ادامه داد: با توجه به پرداخت قسمت دوم دیه بیماران، عملاً فقط هزینه وکیل به بیماران پرداخت نشده است که به نظر می رسد با رفع ابهامات واحد اجرای احکام توسط شعبه ۱۰۶۰ دادگاه، این مبلغ نیز که از وزارت بهداشت و درمان دریافت شده است متعاقباً پرداخت شود. قویدل با ابراز تاسف از اینکه قسمت دوم حکم دادگاه که مربوط به درمان بیماران است هنوز اجرایی نشده و جان بسیاری از خواهان ها در خطر است، گفت: از هفته آینده اقدامات اجرایی گسترده ای در جهت اجرای حکم بیماران در رابطه با درمان و تامین هزینه دارویی در دستور کار کانون و وکیل پرونده قرار می گیرد و قسمت سوم حکم دادگاه نیز که در زمره جبران خسارات معنوی بوده و باید در چارچوب اعاده حیثیت از خواهان ها از طریق مطبوعات و ارسال نامه برای هر یک از آنان تحقق یابد، هنوز اجرایی نشده است.

تشکیل شورای تحول اداری در سازمان زندان ها

ایسنا: معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان زندان های کشور در نهمین همایش ذی حسابان ادارات کل زندان های ۱۵ استان کشور در اردبیل از تلاش برای تشکیل شورای تحول اداری در سازمان زندان های کشور خبر داد و افزود: شورای تحول اداری در سازمان در راستای تامین اهداف شورا در محورهای اصلاح ساختاری قوانین و مقررات، استفاده بهینه از امکانات اداری، توزیع منابع انسانی، ساماندهی توزیع نیروها، جبران کمبود نیرو با تشکیل کمیته های فرعی و تخصصی اهداف از پیش تنظیم شده خود را با قوت تمام دنبال می کند و درصدد است تا کمیسیون های تحول اداری را در تمام استان ها راه اندازی کند.